

## بررسی نگرش والدین به ادامه تحصیل دختران روستایی مطالعه موردی: روستاهای شهرستان سنقر و کلیایی

امیرحسین علی‌بیگی - دانشیار گروه ترویج کشاورزی و توسعه روستایی،  
پردیس کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه رازی کرمانشاه  
حسین حیدری\* - دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی،  
دانشگاه رازی کرمانشاه

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۴/۹ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۶/۲۵

### چکیده

پرداختن به موضوع آموزش دختران روستایی برای برنامه‌ریزی و توسعه روستایی امری ضروری است. هدف از پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر بر ادامه تحصیل دختران روستایی (روستاهای شهرستان سنقر و کلیایی) است. جامعه آماری این پژوهش، خانواده‌هایی بودند که دانش‌آموز دختر داشتند (N=۲۲۶۹). با استفاده از جدول کرجسی و مورگان، ۳۶۰ پرسشنامه با روش نمونه‌گیری تصادفی با انتساب متناسب توزیع شد و در نهایت ۳۴۹ پرسشنامه تکمیل و تجزیه و تحلیل شد. ابزار اصلی تحقیق پرسشنامه‌ای بود که روایی آن را جمع متخصصان و پایایی آن را ضریب آلفای کرونباخ تأیید کرد. نتایج نشان دادند که دیدگاه والدین به تحصیل دختران منفی است. آزمون ناپارامتری من‌ویتنی مشخص کرد که نگرش والدین به ادامه تحصیل دختران در روستاهایی که دارای مدرسه راهنمایی دخترانه و دبیرستان دخترانه هستند، مثبت و در روستاهایی که فاقد این مدرسه‌ها هستند، منفی است. نتایج آزمون کروسکال والیس نیز نشان دادند، والدین با تحصیلات بالاتر، نگرش مثبتی به ادامه تحصیل فرزندان دختر خود دارند. نتایج این پژوهش می‌تواند کمک شایانی به برنامه‌ریزان روستایی برای توسعه انسانی و روستایی و آموزش روستاییان کند.

**کلیدواژه‌ها:** آموزش، برنامه‌ریزی، توسعه روستایی، شهرستان سنقر و کلیایی، والدین.

## مقدمه

از آنجاکه بیش از نیمی از جمعیت کشورهای در حال توسعه در روستاها زندگی می کنند، نقش روستاییان و به ویژه زنان روستایی در تحقق اهداف توسعه روستایی انکارناپذیر است (Bhui-mail & Sampa, 2005, 320). زنان روستایی به عنوان نیمی از جمعیت روستایی، در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی و رسیدن به توسعه پایدار روستایی نقشی بارز دارند (سواری و همکاران، ۱۳۹۳، ۳۶۶). زنان روستایی، پرورش دهندگان نسل های تولیدکننده آینده اند و نقش اصلی و اساسی پرورش را مادران برعهده دارند. در گام نخست لازم است مادران روستایی از سطح بالای دانسته ها و آگاهی ها بهره مند باشند (علی بیگی و بنی عامریان، ۱۳۸۸، ۱۱۶). سواد و آگاهی مادران به ویژه در مناطق محروم و دورافتاده که دسترسی کمتری به امکانات بهداشتی و پیام های آموزشی و تبلیغی، خدماتی و رسانه ای دارند بسیار مهم و حیاتی است. اگر زنان باسواد باشند، به موضوعات جامعه حساس ترند و درباره وضعیت سلامتی، بهداشت، اقتصاد خانواده و فرزندان شان تلاش بیشتری می کنند و در به روز کردن اطلاعات و آگاهی های خود می کوشند (سراج خرمی و شیرین صحرایی، ۱۳۹۱). در شهرستان سنقر و کلیایی تعداد دانش آموزان دختر روستایی نسبت به دانش آموزان پسر کمتر است. در مقطع ابتدایی، دانش آموزان پسر ۱۷۸۳ نفر و دخترها ۱۶۱۷ نفر، در دوره راهنمایی دانش آموزان پسر ۹۶۸ نفر و دخترها ۵۰۱ نفر، و در دوره دبیرستان دانش آموزان پسر ۵۱۵ نفر و دخترها ۱۵۱ نفرند (اداره آموزش و پرورش شهرستان سنقر و کلیایی، ۱۳۹۰).

آمارها نشان می دهند که در دوره های بالاتر (راهنمایی و دبیرستان) این اختلاف بیشتر است. به دلیل نقش های متنوع و تأثیرگذاری که دختران و زنان روستایی در توسعه جامعه دارند، ضروری است که دانش و تحصیلات دختران روستایی افزایش یابد. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر ادامه تحصیل دختران روستایی شهرستان سنقر و کلیایی است، تا مشخص شود که چه عواملی از دیدگاه والدین روستایی بر ادامه تحصیل دختران روستایی

تأثیرگذار است. مطالعه حاضر در پی پاسخ‌گویی به این سه پرسش است: الف) نگرش والدین در خصوص ادامه تحصیل دختران روستایی چیست؟ ب) ویژگی‌های فردی والدین، مانند تحصیلات و درآمد، چه تأثیری بر نگرش آنان به ادامه تحصیل دختران روستایی دارد؟ ج) امکانات موجود در روستا مانند مدرسه راهنمایی و دبیرستان چه تأثیری بر ادامه تحصیل دختران روستایی دارد؟ د) راهکارهای مهم و مؤثر بر ادامه تحصیل دختران روستایی کدام‌اند؟

### پیشینه تحقیق

در جوامع صنعتی، آموزش و پرورش به‌عنوان مؤلفه اساسی برای توسعه انسانی مطرح است. آموزش و پرورش ابتدا مهارت‌ها و نگرش‌های لازم را برای رشد و توسعه اقتصادی ایجاد می‌کند و سپس قابلیت‌های لازم را برای سازگاری و انعطاف در برابر رویکردهای جدید و درگیر شدن با تغییرات تکنولوژیکی، اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌سازد. در میان کشورهای صنعتی جهان، کشور ژاپن نمونه بارزی است که با استفاده از تعلیم و تربیت توانسته است در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فنی خود بالاترین میزان تغییر و تحول را ایجاد کند. ژاپن در زمینه صنعتی شدن - برخلاف کشورهای اروپایی - با توسعه ناگهانی نظام تعلیم و تربیت خود و استفاده از جهان به‌عنوان دانشگاهی عمومی توانست به این درجه از توسعه دست یابد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۷، ۱۲۱). شولتز<sup>۱</sup> در دهه ۱۹۶۰ و دنیسون<sup>۲</sup> در سال ۱۹۶۲ نشان دادند که آموزش به‌طور مستقیم از طریق تبدیل مهارت‌ها به ظرفیت‌های تولیدی نیروی کار، به رشد درآمد ملی کمک می‌کند. این یافته مهم منجر به تحقیقات گسترده‌ای در زمینه ارزش اقتصادی سرمایه‌گذاری در آموزش شد (ساخارو پولوس و مورین، ۱۳۷۰، ۲۹). به بیان پل هریسون،

---

1. Schultz  
2. Denison

سرمایه‌گذاری برای پرورش انسان به‌همان اندازه بازده دارد که سرمایه‌گذاری برای ساختن ماشین اهمیت دارد. کارگر سالمی که تغذیه خوبی دارد، بسیار بیشتر از هزینه‌ای که صرف تغذیه و بهداشت وی می‌شود، تولید می‌کند. اگر به کارگر کشاورز اصول صحیح کشاورزی آموخته شده باشد، بازده کار او بیشتر می‌شود. آموزش عملی و مناسب بیش از هر عامل دیگری انسان را قادر به تغییر محیط خود می‌سازد (هریسون، ۱۳۶۴، ۲۵۰). بنابراین، ارتباطی مستقیم بین آموزش و پرورش و میزان کارایی و ابعاد گوناگون توسعه وجود دارد. تحقیقات بانک جهانی نشان داده است: «بهره‌دهی متوسط کشاورزی که دوره چهارساله ابتدایی را گذرانده، ۸/۷ درصد بیشتر از کشاورزی است که هیچ‌گونه آموزشی ندیده است» (ساخارو پولوس و مورین، ۱۳۷۰، ۷۱).

در کشورهای درحال توسعه و به‌ویژه در جوامع روستایی، زنان روز کاری طولانی‌تری درمقایسه با مردان دارند. آنها مسئولیت بیشتر و اوقات فراغت کمتری دارند. طبق تحقیقات انجام‌شده، زنان نقشی حیاتی در اجتماعات روستایی ایفا می‌کنند؛ آنان عهده‌دار انواع فعالیت‌های کشاورزی و گاه دام‌داری، کسب درآمد از تولیدات جانبی، و اشتغال در مشاغل با دستمزدهای ناچیز هستند. با وجود این، زنان با موانع عمده‌ای در ایفای نقش بالقوه‌شان به‌عنوان نیروی عمده اجتماعی و اقتصادی در توسعه روستایی روبه‌رو هستند. توانایی آنان بسیار کمتر از آنچه هست، ارزش‌گذاری شده و از توانایی‌های زنان روستایی برای ساختن زندگی خود، خانواده و جامعه به‌درستی استفاده نشده است (خانی و چوپچیان، ۱۳۹۱، ۱۳۹). درخصوص عوامل مؤثر بر ادامه تحصیل دختران روستایی تا به‌حال تحقیق کاملی انجام نشده و به‌صورت پراکنده در برخی از تحقیقات به این موضوع پرداخته شده است. در ادامه، برخی از مطالعات انجام‌گرفته در این زمینه در خارج و داخل کشور مطرح شده‌اند.

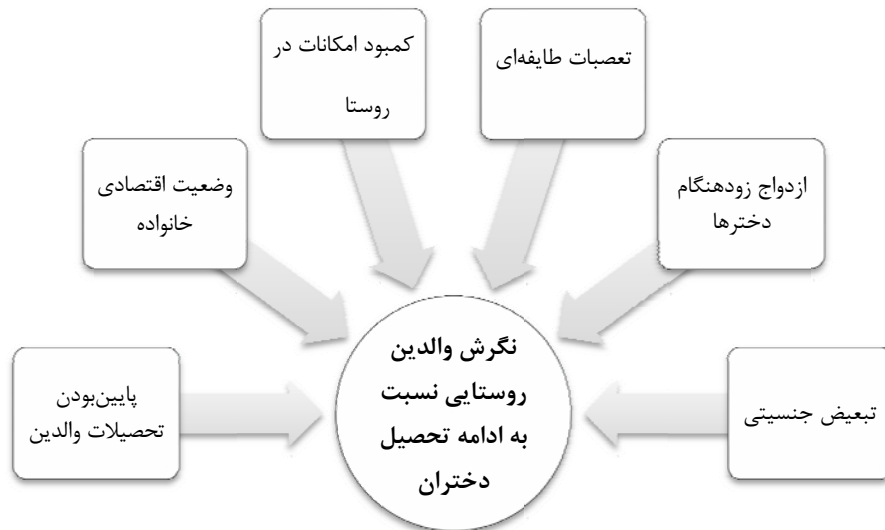
تحقیق قایدا و همکاران نشان داد که بارزترین علل فقر در واشینگتن، عوامل اجتماعی و فرهنگی است و سود اقتصادی آموزش زنان بر مبنای نقشی که آنها در توسعه دارند حتی بیشتر از مردان است. نتایج این پژوهش نشان دادند که پیشرفت در آموزش دخترها نتیجه رشد

اقتصادی نیست، بلکه مسبب آن است (Ghaida et al., 2004). در پژوهش کیانگ و همکاران، نابرابری جنسیتی و فقر در مدارس روستایی چین بررسی شدند و نتایج نشان دادند که ترک تحصیل میان دختران روستایی بیشتر است. آنها معتقدند که دختران روستایی به سه دلیل احساس فقر و محرومیت بیشتری می‌کنند: ۱. تبعیض پنهان دختران روستایی در محیط اجتماعی بزرگ‌تر؛ ۲. نابرابری جنسیتی که در ارزش‌های خانواده دیده می‌شود؛ و ۳. ناآگاهی زنان از تأثیر این عوامل (Qiang et al., 2008). نتایج تحقیقات درزه و کینگدون از این فرضیه حمایت کرد که نگرش والدین به آموزش دختران با پیشرفت تحصیلی دختران همبستگی (ارتباط) دارد (Dreze & Kingdon, 2000). در این زمینه، پال تحقیقی در مناطق روستایی بنگال انجام داد و دریافت که منابع خانوار، ترجیحات خانواده، و هزینه آموزش در ثبت‌نام کودکان در مدارس نقش دارند. وی نتیجه گرفت که در ثبت‌نام مدارس روستایی، تبعیض جنسیتی دانش‌آموزان وجود دارد (Pal, 2004). در تحقیق دیگری که کینگدون منشأ خانوادگی تبعیض جنسیتی را تحلیل کرد، دریافت که حتی با وجود کنترل پس‌زمینه والدین، مذهب و طبقه اجتماعی بازهم دختران فرصت تحصیل را به دلیل مسائل داخل خانواده از دست می‌دهند (Kingdon, 2002). کینگدون در پژوهشی دیگر به این نتیجه رسید که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پیشرفت آموزشی (تحصیلی) عبارت‌اند از: پس‌زمینه پدر و مادر، ثروت، عقاید، توانایی‌های فردی، سن ازدواج و چگونگی حضور در مدرسه ابتدایی (Kingdon, 2005, 409). کاردوسو در پژوهشی به کم‌بودن ثبت‌نام در مدارس، بیشتربودن ترک تحصیل، و کم‌بودن دستیابی به آموزش عالی زنان در مقایسه با مردان توجه کرده است. برخی عوامل مؤثر بر پایین بودن سطح شاخص‌های مذکور، بارداری زودهنگام، گرایش‌های فرهنگی - سنتی و مواردی از این دست برشمرده شده‌اند (Cardoso, 1988).

از میان مطالعات انجام‌شده در داخل کشور، مشیری و همکاران (۱۳۸۸) بیان کردند که بین تحصیلات بیشتر و اشتغال در مناطق روستایی رابطه معکوس وجود دارد، که بیانگر

نامناسب بودن آموزش‌های مرتبط با فعالیت‌های روستایی است. در پژوهشی دیگر، طالب و همکاران (۱۳۹۰) نشان دادند که تبیین‌کننده‌های فقر از دیدگاه زنان و دختران روستایی عبارت‌اند از: ناآگاهی اجتماعی، تعصبات طایفه‌ای، اولویت رسیدگی به افراد ذکور در خانواده، تقدیرگرایی، فقر بین‌نسلی، جمعیت زیاد خانواده، محدودیت‌های تحصیلی، بیکاری، و آثار جنگ تحمیلی. نتایج پژوهش دیگری نشان داد که در همه‌جای دنیا، زنان و مردان با انجام وظایف عمومی و خانگی، نقش‌های مختلفی ایفا می‌کنند. در جامعهٔ مردسالار، زن در سپهر خصوصی حضور دارد و وظایف او محدود به فضای درونی خانه و خانواده است. تعریف این فضای درونی و سپهر خصوصی در فرهنگ‌های مختلف به صورت‌های گوناگون جلوه می‌کند و تکلیف وظایف و محدوده‌ها براساس سنت‌ها و آداب و رسوم، مذهب یا حتی چرخهٔ زندگی افراد مشخص می‌شود (حاجیلو، ۱۳۸۴، ۴۵).

زنان در جوامع در حال توسعه تابع سنت‌های رایج در فرهنگ محلی هستند که تقسیم کار سنتی و اجباری را بر آنان تحمیل کرده است. توزیع نابرابر قدرت، منابع و مسئولیت بین مردان و زنان از طریق سنت‌های کهن نهادینه شده و حتی در اندیشهٔ زنان نیز ریشه دوانیده و به صورت قانون درآمد است. در کشورهای جهان سوم، زنان به‌طور متوسط ۱۲ تا ۱۸ ساعت و مردان ۲ تا ۱۲ ساعت کار می‌کنند. مطالعات بازار کار زنان در آسیا نشان می‌دهد که زنان ساعت کار طولانی، دستمزد کم و شرایط پست و مشاغل بدون ترقی دارند (هورتن، ۱۳۸۴، ۲۴). بیشتر مطالعات نشان می‌دهند که زنان سطح آموزش پایین‌تری از مردان دارند و از دلایل آن می‌توان به این موارد که بر دیدگاه والدین در خصوص ادامهٔ تحصیل دختران تأثیر می‌گذارد، اشاره کرد: ازدواج زودهنگام دختران در روستاها، دسترسی نداشتن آنان به امکاناتی نظیر مدرسه (در مقایسه با پسران)، پایین بودن سطح سواد والدین، تبعیض جنسیتی، هزینه‌های آموزش، و تعصبات طایفه‌ای. چارچوب مفهومی پژوهش در شکل ۱ ارائه شده است.



شکل ۱. چارچوب مفهومی پژوهش

### روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر، از لحاظ پارادایم کمی و از نظر روش‌های دستیابی به حقایق و داده‌پردازی، توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را دختران روستاهای شهرستان سنقر و کلیایی واقع در استان کرمانشاه تشکیل دادند ( $N=2269$ ) که نگرش والدین آنها به ادامه تحصیل دختران‌شان بررسی شد. حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان، ۳۳۰ نفر انتخاب شد، اما برای افزایش اعتبار یافته‌ها ۳۶۰ پرسشنامه میان والدین دختران روستایی توزیع و در نهایت ۳۴۹ پرسشنامه با روش نمونه‌گیری تصادفی با انتساب متناسب در ۶۵ روستای انتخاب‌شده، تکمیل و تجزیه و تحلیل شد. شهرستان سنقر و کلیایی دارای ۲ بخش مرکزی و کلیایی است که بخش مرکزی آن شامل ۵ دهستان به نام‌های آب باریک، بوله، سراب، گاورود و پارسینه و بخش کلیایی شامل ۳ دهستان به نام‌های آگاهان، سطر و کیونانات است (استانداری استان کرمانشاه، ۱۳۹۰). دو بخش مرکزی و کلیایی شهرستان سنقر، ۲۱۹

روستا دارند که پس از تهیه فهرست روستاهای هر دهستان، ۳۰ درصد از روستاها به صورت تصادفی انتخاب شدند (جدول ۱).

ابزار اصلی گردآوری اطلاعات بخش میدانی تحقیق، پرسشنامه محقق‌ساخته بود که با بهره‌گیری از پیشینه تحقیق، مبانی نظری و مصاحبه صورت گرفته با روستاییان تدوین شد. پرسشنامه مذکور چهار قسمت داشت: نخست، ویژگی‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی و امکانات موجود در روستا، دوم شامل ۱۲ گویه به منظور بررسی نگرش والدین به ادامه تحصیل دختران روستایی، سوم دارای ۹ گویه معرف موانع ادامه تحصیل دختران روستایی، و چهارم ۸ گویه برای بررسی راهکارهای ادامه تحصیل دختران روستایی. به منظور اطمینان از روایی<sup>۱</sup> ظاهری و محتوایی پرسشنامه، از نظر اعضای هیئت علمی دانشگاه رازی استفاده شد و براساس نظرها و پیشنهادهای آنان اصلاحات لازم در پرسشنامه اعمال گردید. به منظور برآورد پایایی<sup>۲</sup> پرسشنامه از آزمون ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. میزان این ضریب که در اصل پایایی ابزار را مشخص می‌کند، برای نگرش والدین به ادامه تحصیل دختران روستایی ۰/۸۳، برای موانع ادامه تحصیل دختران روستایی ۰/۸۵، برای راهکارهای ادامه تحصیل دختران روستایی ۰/۸۰ به دست آمد. با توجه به اینکه ضرایب آلفای کرونباخ برای هر یک از قسمت‌های پرسشنامه بالاتر از ۰/۷ است، پرسشنامه پایایی خوبی برای تحقیق دارد. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، عملیات کدگذاری، استخراج اطلاعات و انتقال آنها روی رایانه انجام شد. پس از طی فرایند داده‌پردازی، محاسبات آماری (توصیفی و استنباطی) با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفت. برای انجام آزمون‌های بخش توصیفی از توزیع فراوانی و میانگین و در قسمت استنباطی از ضریب تغییرات، آزمون من‌ویتنی و آزمون کروسکال‌والیس و همبستگی پیرسون استفاده شد.

---

1. Validity  
2. Reliability



جدول ۱. تعداد روستاهای انتخاب‌شده

بخش	دهستان	تعداد روستا	تعداد روستاهای انتخاب‌شده
مرکزی	آب باریک	۱۹	۶
	پاوله	۳۴	۱۰
	سراب	۲۴	۷
	گاورود	۳۳	۱۰
	پارسینه	۱۶	۵
کلیایی	آگاهان	۳۱	۹
	سطر	۳۱	۹
	کیونانات	۳۱	۹
دو بخش	۸	۲۱۹	۶۵

در پژوهش حاضر از ۱۲ گویه با طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت به منظور بررسی نگرش والدین به ادامه تحصیل دختران‌شان استفاده شد، که در آن عدد ۱ نشان‌دهنده کمترین میزان و عدد ۵ بیانگر بیشترین میزان است و به منظور توصیف آنها از روش (ISDM) استفاده شد (Gangadharappa et al., 2007). در این روش نحوه تبدیل امتیازهای کسب‌شده در سه سطح منفی، متوسط و مثبت شرح داده شد.

$$A < \text{mean} - \frac{1}{2}sd \quad \text{منفی:}$$

$$\text{mean} - \frac{1}{2}sd < B < + \frac{1}{2} \quad \text{متوسط}$$

$$C > \text{mean} + \frac{1}{2}sd \quad \text{مثبت}$$

که در آنها mean میانگین و sd انحراف معیار از میانگین است.

## یافته‌ها

در این قسمت به بررسی آمار توصیفی پژوهش پرداخته شده است (جدول ۲).

جدول ۲. ویژگی‌های فردی و مشخصات روستاهای مورد مطالعه

گویه‌ها	سطح	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
تحصیلات پدر	بی‌سواد	۹۹	۲۸/۶	۲۸/۶
	پنجم ابتدایی	۱۰۳	۲۹/۲	۵۷/۸
	سیکل	۹۱	۲۶/۱	۸۳/۹
	دیپلم	۴۲	۱۲/۱	۹۶
	فوق دیپلم و بالاتر	۱۴	۴	۱۰۰
تحصیلات مادر	بی‌سواد	۱۷۲	۴۸/۷	۴۸/۷
	پنجم ابتدایی	۱۱۳	۳۲/۲	۸۰/۹
	سیکل	۴۰	۱۱/۷	۹۲/۶
	دیپلم	۱۵	۴/۸	۹۷/۴
	فوق دیپلم و بالاتر	۹	۲/۶	۱۰۰
شغل مردم روستا	کشاورزی	۱۴۵	۴۱/۵	۴۱/۵
	دام‌داری	۴۷	۱۳/۵	۵۵/۰
	باغ‌داری	۲۲	۶/۳	۶۱/۳
	کارمند	۳۴	۹/۷	۷۱/۱
	سایر	۱۰۱	۲۸/۹	۱۰۰
مدرسه راهنمایی دخترانه	دارد	۱۵۵	۴۴/۴	۴۴/۴
	ندارد	۱۹۴	۵۵/۶	۱۰۰
دبیرستان دخترانه	دارد	۱۱۲	۳۲/۱	۳۳/۱
	ندارد	۲۳۷	۶۷/۹	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج آمار توصیفی نشان دادند که از مجموع ۳۴۹ پاسخ‌گوی مطالعه‌شده در این پژوهش، بیشتر پدران (۲۹/۲ درصد) دارای سطح سواد پنجم ابتدایی بودند و تعداد خیلی کمی از آنها (۴ درصد) تحصیلات فوق دیپلم و بالاتر داشتند. بیشتر مادران نیز بی‌سواد بودند (۴۸/۷ درصد) و فقط ۹ نفر از آنها (۲/۶ درصد) سواد فوق دیپلم و بالاتر داشتند. شغل اصلی والدین کشاورزی بود (۴۱/۵ درصد). بیشتر روستاهای مطالعه‌شده فاقد امکاناتی نظیر مدرسه راهنمایی دخترانه (۵۵/۶ درصد) و دبیرستان دخترانه (۶۷/۹ درصد) بودند.

جدول ۳. دیدگاه والدین به ادامه تحصیل دختران

رتبه	انحراف معیار	میانگین از ۵	گویه‌ها
۱	۱/۳۱	۲/۷۹	هزینه تحصیل دخترها زیاد است*.
۲	۱/۳۶	۲/۶۹	تحصیل پسرها بیشتر از دخترها اهمیت دارد*.
۳	۱/۳۴	۲/۶۸	چون که دخترها شوهر می‌کنند نباید برای تحصیل آنها هزینه کرد*.
۴	۱/۳۴	۲/۱۹	فاصله زیاد مدرسه از محل سکونت افراد*
۵	۱/۰۴	۲/۰۳	دروس تحصیلی، مورد نیاز زندگی حال و آینده دخترهاست.
۶	۱/۱۴	۱/۷۷	دخترها در زمینه تحصیل فرقی با پسرها ندارند.
۷	۰/۸۳	۱/۷۲	ادامه تحصیل دخترها در زندگی خانوادگی‌شان مؤثر است.
۸	۱/۰۵	۱/۶۸	متوقف کردن تحصیل دخترها، ظلم به آنهاست.
۹	۰/۹۵	۱/۶۶	باید به تحصیل دخترها و پسرها اهمیت یکسان داد.
۱۰	۰/۷۷	۱/۵۸	سواد در ایفای نقش مادری و همسری دخترها مؤثر است.
۱۱	۰/۹۰	۱/۵۴	مردم باید دختران‌شان را مثل پسرهای‌شان به مدرسه بفرستند.
۱۲	۰/۸۲	۱/۴۲	تأثیر آموزش دخترها در موفقیت‌شان در زندگی
		۱/۹	کل

منبع: یافته‌های پژوهش \*؛ امتیازدهی، برعکس دیگر گویه‌هاست.

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، میانگین نظر والدین نشان داد که مؤلفه هزینه تحصیل دختران با میانگین ۲/۷۹ مهم‌ترین مؤلفه بررسی شده برای ادامه تحصیل دختران روستایی است. مؤلفه اهمیت تحصیل پسرها نسبت به دخترها در جایگاه دوم قرار گرفت و میانگین ۲/۶۹ از ۵ را به دست آورد. مؤلفه سوم، ازدواج دخترهاست و از دیدگاه والدین پاسخ‌دهنده، به دلیل ازدواج دختران نیازی به هزینه کردن برای ادامه تحصیل‌شان نیست (با میانگین ۲/۶۸). مؤلفه‌های دیگر، به ترتیب براساس نمره میانگین طبق جدول ۳ عبارت بودند از: فاصله زیاد مدرسه از محل سکونت خانواده‌ها، کاربردی بودن دروس تحصیلی برای زندگی حال و آینده دختران، دختران در زمینه تحصیل تفاوتی با پسران ندارند، ادامه تحصیل دخترها در زندگی خانوادگی‌شان مؤثر است، متوقف کردن ادامه تحصیل دخترها ظلم کردن در حق آنهاست، باید به تحصیل دخترها و پسرها اهمیت یکسان داد، تحصیلات در ایفای نقش مادری

و همسری دخترها مؤثر است، مردم باید دختران خود را مثل پسرهایشان به مدرسه بفرستند، و تأثیر آموزش دخترها در موفقیت‌شان در زندگی. به‌منظور بررسی نگرش والدین به ادامه تحصیل دختران روستایی، پس از جمع جبری امتیاز ۱۲ گویه تشکیل‌دهنده آن، از روش فاصله انحراف معیار از میانگین یا معیار (ISDM) استفاده شد. نتایج حاصل از این بخش در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان به ادامه تحصیل دختران

نوع نگرش	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
منفی	۱۴۱	۴۰/۴	۴۰/۴
خنثی	۱۲۵	۳۵/۸	۷۶/۲
مثبت	۸۳	۲۳/۸	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش میانگین: ۲۷/۰۵ و انحراف معیار: ۸/۴۵

با توجه به جدول ۴ مشاهده می‌شود که نگرش بیشتر والدین روستایی به ادامه تحصیل دختران خود منفی است (۴۰/۴ درصد) و ۸۳ نفر نگرشی مثبت به ادامه تحصیل دختران خود داشتند.

جدول ۵. موانع اصلی ادامه تحصیل دختران روستایی از دیدگاه والدین

رتبه	انحراف معیار	میانگین از ۵	گویه‌ها
۱	۱/۲۶	۳/۷۱	کمبود مدارس دخترانه در روستا
۲	۱/۱۳	۳/۴۹	ازدواج زود هنگام دختران
۳	۱/۲۶	۳/۴۴	مختلط‌بودن پسر و دختر در ابتدایی
۴	۱/۳۶	۳/۱۵	اولویت‌دادن به پسرها
۵	۱/۲۹	۳/۱۱	پرهزینه‌بودن تحصیل
۶	۱/۳۹	۲/۹۵	نگرش منفی جامعه به ادامه تحصیل دختران
۷	۱/۳۱	۲/۸۸	زیادبودن کارهای روستا
۸	۱/۲۱	۲/۶۶	ناهم‌خوانی آموزش‌ها با فرهنگ بومی
۹	۱/۲۵	۲/۲۶	بی‌فایده‌بودن مطالب

منبع: یافته‌های پژوهش

والدین روستایی، کمبود مدرسه در روستا را بزرگ‌ترین مانع برای ادامه تحصیل دختران‌شان برشمردند و میانگین ۳/۷۱ از ۵ برای این مؤلفه به‌دست آمد. مؤلفه ازدواج زود هنگام دختران با میانگین ۳/۴۹ در اولویت دوم و مختلط بودن پسرها و دخترها با میانگین ۳/۴۴ در رده سوم موانع ادامه تحصیل فرزندان دختر قرار گرفت. با توجه به نتایج جدول ۵، مؤلفه‌های دیگر به ترتیب میانگین به‌دست‌آمده آنها از موانع دیگر ادامه تحصیل دخترها در روستا بودند: اولویت دادن به پسرها، پرهزینه بودن تحصیل دخترها، نگرش منفی جامعه روستایی به ادامه تحصیل دختران، زیاد بودن کارهای روستا، ناهم‌خوانی آموزش‌ها با فرهنگ بومی منطقه، و بی‌فایده بودن مطالب درسی.

جدول ۶. راهکارهای ادامه تحصیل دختران روستایی از دیدگاه والدین

رتبه	انحراف معیار	میانگین از ۵	گویه‌ها
۱	۱/۱۱	۳/۶۱	کاهش دادن هزینه‌های تحصیل دختران روستایی
۲	۱/۱۹	۳/۵۹	هم‌سو کردن مطالب درسی با نیازهای جامعه روستایی
۳	۳/۱۶	۳/۵۵	برنامه درسی متناسب با شرایط بومی و محلی
۴	۱/۳۴	۳/۴۲	سخنرانی افراد تحصیل کرده از مزایای تحصیل برای مردم روستایی
۵	۱/۲۳	۳/۳۸	اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌ها در خصوص اهمیت تحصیل دختران
۶	۱/۲۷	۳/۳۳	اجباری کردن تحصیل برای دختران روستایی
۷	۱/۱۷	۳/۳۱	برگزاری نشست‌های معلمان با والدین
۸	۱/۰۷	۳/۲۲	بهسازی سیمای زن و خانواده در کتاب و محتوای آموزش

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول ۶ نشان دادند که از دیدگاه والدین روستایی مهم‌ترین راهکار این بود که هزینه‌های تحصیل برای دختران روستایی کاهش داده شود، میانگین این گویه ۳/۶۱ از ۵

به دست آمد. گویه هم‌سو کردن مطالب درسی با نیازهای جامعه روستایی با کسب میانگین ۳/۵۹ از ۵ در اولویت دوم و مؤلفه متناسب شدن برنامه درسی با شرایط بومی و محلی منطقه با به دست آوردن میانگین ۳/۵۵ در اولویت سوم قرار گرفت. والدین نقش صحبت کردن افراد تحصیل کرده - به ویژه تحصیل کرده‌های خود روستا - از مزایای تحصیل را برای تغییر نگرش والدین روستایی در ادامه تحصیل دختران خود مهم می‌دانستند و برای این مؤلفه میانگین ۳/۴۲ به دست آمد. دیگر مؤلفه‌ها شامل اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌ها در خصوص ادامه تحصیل دختران، اجباری کردن تحصیل برای دختران روستایی، برگزاری نشست معلمان با والدین، و بهسازی سیمای زن و خانواده در کتاب و محتوای آموزش به‌عنوان راهکارهایی برای ادامه تحصیل دختران روستایی از دیدگاه والدین روستایی مطرح شد.

جدول ۷. آزمون من‌ویتنی برای بررسی تأثیر متغیرهای فردی بر نگرش والدین

متغیر	سطح	رتبه‌بندی میانگین	من‌ویتنی	Z	سطح معناداری
مدرسه راهنمایی دخترانه	دارد	۱۸۲/۷	۱۳۸۴۲	-۱/۲۷	۰/۲
	ندارد	۱۶۸/۸			
دبیرستان دخترانه	دارد	۱۹۶/۳	۱۰۸۸۵	-۲/۷	/۰۰۷**
	ندارد	۱۶۴/۹			

منبع: یافته‌های پژوهش توضیح \*\*: در سطح ۱ درصد معنادار

یافته‌های جدول ۷ نشان دادند که بین وجود امکاناتی مانند مدرسه راهنمایی دخترانه با ادامه تحصیل دختران روستایی اختلاف معناداری وجود دارد، اما بین نگرش والدین با امکاناتی مانند بود یا نبود دبیرستان دخترانه در روستا نسبت به ادامه تحصیل دختران روستایی در سطح ۱ درصد اختلاف معناداری وجود دارد.

جدول ۸. آزمون کروسکال والیس در گروه‌های مستقل

متغیر	سطح	رتبه‌بندی میانگین	کای اسکویر	F	سطح معناداری
سواد پدر	بی‌سواد	۱۸۳/۵	۱۴/۰۳	۴	۰/۰۰۷**
	پنجم ابتدایی	۱۹۳/۹			
	سیکل	۱۶۳/۳			
	دیپلم	۱۳۳/۱			
	فوق‌دیپلم و بالاتر	۱۹۲			
سواد مادر	بی‌سواد	۱۸۸/۲	۱۵/۰۵	۴	۰/۰۰۵**
	پنجم ابتدایی	۱۴۹/۸			
	سیکل	۱۸۹/۲			
	دیپلم	۲۰۲/۲			
	فوق‌دیپلم و بالاتر	۱۱۶/۱			

منبع: یافته‌های پژوهش \*\* معناداری در سطح یک درصد

با توجه به جدول ۸ مشخص شد که بین دیدگاه والدین با سطح سوادهای مختلف، نسبت به ادامه تحصیل دختران در سطح ۱ درصد تفاوت معناداری وجود دارد و هرچه تحصیلات والدین بیشتر باشد، امکان ادامه تحصیل فرزندان دختر آنها نیز بیشتر است.

جدول ۹. همبستگی متغیر درآمد با نگرش والدین به ادامه تحصیل فرزندان دختر

متغیر مستقل	مقیاس	ضریب همبستگی	سطح معناداری
درآمد	نسبی	-۰/۱۳*	۰/۰۲۹
فاصله مدرسه تا خانه	نسبی	۰/۱۱*	۰/۰۳

منبع: یافته‌های پژوهش \* معناداری در سطح ۵ درصد

با توجه به نتیجه جدول ۹، همبستگی نسبی نشان داد که بین سطح درآمد والدین با نگرش آنان به ادامه تحصیل دختران روستایی در سطح ۵ درصد رابطه معناداری وجود دارد. فاصله مدرسه روستا تا خانه نیز یکی دیگر از متغیرهایی بود که با نگرش والدین به ادامه

تحصیل دختران روستایی در سطح ۵ درصد رابطه معناداری داشت. اگر مدرسه در روستا نباشد، چون دانش‌آموزان باید به مدرسه روستاهای دیگر یا شهر سنقر بروند، والدین با ادامه تحصیل آنان مخالفت می‌کنند.

### بحث و نتیجه‌گیری

براساس یافته‌ها، اکثر والدین روستایی نگرشی منفی به ادامه تحصیل دختران‌شان دارند که بخشی از آن ناشی از فرهنگ آنها در خصوص تحصیل دختران است. این نتیجه با نتایج پژوهش مشیری و همکاران (۱۳۸۸)، هورتن (۱۳۸۴)، حاجیلو (۱۳۸۴) و طالب و همکاران (۱۳۹۰) مطابقت دارد. نگرش منفی والدین از عواملی همچون ضعف اقتصادی خانوارهای روستایی و مختلط بودن مدارس روستایی نشأت می‌گیرد. ازدواج زودهنگام دختران روستایی، و حجم زیاد کارهای کشاورزی و دام‌پروری از جمله عوامل ممانعت والدین از ادامه تحصیل دختران‌شان است. این نتایج با نتایج پژوهش کیانگ و همکاران (۲۰۰۸)، درزه و کینگدون (۲۰۰۰)، پال (۲۰۰۴)، و کینگدون (۲۰۰۰) هم‌خوانی دارد. والدین روستایی اذعان داشتند که هزینه تحصیل دختران‌شان بالاست، چه بسا به این دلیل که دختران بیشتر روستاها مجبورند برای ادامه تحصیل به روستاهای دیگر یا به مرکز شهرستان سنقر بروند، که هزینه زیادی را برای خانواده‌ها به‌دنبال دارد. این نتیجه با نتایج پژوهش پال (۲۰۰۴) هم‌سویی دارد. نتیجه همبستگی نشان داد که فاصله مدرسه تا منزل دانش‌آموزان با نگرش والدین به ادامه تحصیل دختران‌شان در سطح ۵ درصد رابطه معناداری دارد. بنابراین اگر در روستا دبیرستان دخترانه نباشد، والدین باید فرزندان‌شان را به روستاهای دیگر یا شهرستان سنقر بفرستند، که همین امر باعث ترک تحصیل دختران روستایی می‌شود. به‌گفته والدین، هم‌سو کردن مطالب درسی با نیازهای جامعه روستایی، برای مثال پرداختن به محتوای زندگی روستایی و کشاورزی، دام‌داری، خانه‌داری در مطالب درسی و اطلاعات به‌روزدادن به دختران در مدارس نیز می‌تواند مؤثر باشد. این دریافت با نتیجه پژوهش مشیری و همکاران (۱۳۸۸) هم‌سویی دارد. آخرین راهکار از نظر والدین این



بود که باید به سیمای زن و خانواده در آموزش‌ها توجه جدی بشود و در مورد نقش و ارزش زنان اطلاع‌رسانی بشود. این نتیجه با نتایج پژوهش هریسون (۱۳۶۴) کاملاً مطابقت دارد. نتایج آزمون من‌ویتنی نشان دادند که بین دیدگاه والدین روستاهایی که مدرسه دبیرستان دخترانه دارند با روستاهایی که این مدارس را ندارند، در سطح ۱ درصد تفاوت معناداری وجود دارد. در روستاهایی که دارای مدارس دخترانه هستند والدین دیدگاه مثبتی به ادامه تحصیل دختران‌شان دارند و در روستاهایی که این مدارس را ندارند، والدین دیدگاه منفی در این زمینه دارند. این نتیجه با نتایج طالب و همکاران (۱۳۹۰) هم‌سوست. نتایج آزمون کروسکال والیس مشخص کرد که بین سطح سواد والدین (پدر و مادر) با دیدگاه آنها به ادامه تحصیل دخترهای‌شان در سطح ۱ درصد تفاوت معناداری وجود دارد و والدینی که سطح سواد بیشتری دارند درمقایسه با آنهایی که سطح سواد کمتری دارند، دیدگاه مثبت‌تری به ادامه تحصیل دختران‌شان دارند. این نتیجه با نتایج پژوهش کینگدون (۲۰۰۵) هم‌خوانی دارد.

### پیشنهادها

با توجه به گزاره‌های تحقیق و نتایج به‌دست‌آمده، در ادامه پیشنهادهایی ارائه می‌شوند. ۱. احداث مدارس راهنمایی و دبیرستان دخترانه در روستاها که باعث می‌شود دختران روستایی برای ادامه تحصیل مجبور به رفتن به روستاهای هم‌جوار یا شهرستان سنقر نشوند و برای خانواده هزینه‌بر نباشد. احداث این مدارس در روستاها می‌تواند از مختلط‌بودن دانش‌آموزان پسر و دختر نیز جلوگیری کند. ۲. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده به نظر می‌رسد مطالب درسی را باید با نیازهای جامعه روستایی هم‌سو کرد تا بتوان از این طریق برخی از نیازهای آموزشی روستاییان را برطرف کرد. ۳. سخنرانی افراد تحصیل‌کرده از مزایای تحصیل برای افراد روستایی، به‌ویژه سخنرانی افراد با تحصیلات بالای خود روستا می‌تواند در تغییر نگرش والدین روستایی مفید و مؤثر باشد.

## منابع

- آمارنامه استاندارد کرمانشاه، ۱۳۹۰.
- اداره آموزش و پرورش شهرستان سنقر و کلیایی، ۱۳۹۰.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۷، جامعه‌شناسی توسعه، انتشارات کیهان، چاپ هفتم، ص. ۱۲۱.
- حاجیلو، فتنه، ۱۳۸۴، بررسی عوامل موفقیت تسهیلگران زن در ایجاد و تداوم فعالیت گروه‌های مستقل زنان روستایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- خانی، فضیله، چوپچیان، شهلا، ۱۳۹۱، مناسبات جنسیتی در فضاهای روستایی و تأثیر آن بر مشارکت زنان (مطالعه مقایسه‌ای دهستان مریدان شهرستان لنگرود استان گیلان و دهستان هولی شهرستان پاوه استان کرمانشاه)، پژوهش‌های روستایی، سال سوم، شماره سوم، صص. ۱۵۸-۱۳۵.
- ساخارو پولوس، جرج و وودهال، مورین، ۱۳۷۰، آموزش برای توسعه، ترجمه پریدخت وحیدی و حمید سهرابی، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- سازمان جهانی خواربار کشاورزی (فائو)، ۱۳۷۴، نقش زنان در توسعه کشاورزی، ترجمه صالح‌نصب، غلامحسین، انتشارات معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهاد سازندگی، تهران.
- سراج خرمی، ناصر و شیرین صحرائی، علیرضا، ۱۳۹۱، بررسی نقش آموزش‌های پس از سواد در ارتقای سطح آگاهی‌های زنان و دختران نوسواد بزرگسال روستایی، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال نهم، دوره دوم، شماره ۵ (پیاپی ۳۲)، صص. ۱۴۸-۱۳۷.
- سواری، مسلم، شیرین، نعمت‌الله و اسدی، علی، ۱۳۹۲، نقش منابع و کانال‌های ارتباطی و اطلاعاتی در توانمندسازی زنان روستایی شهرستان دیواندره، پژوهش‌های روستایی، دوره ۴، شماره ۲، صص. ۳۸۴-۳۶۵.

طالب، مهدی، فیروزآبادی، سیداحمد و پیری، صدیقه، ۱۳۹۰، مسأله‌شناسی فقر از دیدگاه زنان و دختران روستایی (مطالعه موردی روستای گنبد پیر محمد از توابع شهرستان ملکشاهی - استان ایلام)، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، شماره ۲، تابستان، صص. ۱۶۲ - ۱۴۳.

علی‌بیگی، امیرحسین، بنی‌عامریان، لیلا، ۱۳۸۸، عوامل دموگرافیک مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های ترویجی؛ مطالعه موردی: شهرستان سنقر و کلیایی، مطالعات زنان، سال ۷، شماره ۲، صص. ۱۱۵-۱۳۳.

مشیری، سیدرحیم، مهدوی، مسعود و علیایی، محمدصادق، ۱۳۸۸، بررسی نقش سواد و نیروی کار زنان در درآمد خانوار روستایی؛ مطالعه موردی: زنان روستایی دیواندره استان کردستان، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۴.

هریسون، پل، ۱۳۶۴، درون جهان‌سوم، ترجمه شاداب وجدی، فاطمی، تهران.

هورتن، سوزان، ۱۳۸۴، زنان و صنعتی‌شدن آسیا، ترجمه شهرزاد صادقی، تیشتر، تهران.

Bhuimail, A. & Sampa, P., 2005, **Development of Rural Women through Education and Empowerment**, Delhi, Abhijeet Pub, 320 P.

Cardoso, M., 1988, **Role of Women in Economic and Social Development of the Country**, Latin American Research Review, 12, PP. 7-24.

Dréze, J. & Kingdon, G., 2000, **School Participation in Rural India**, Review of Development Economics, 5 (1), PP. 1-24.

Gangadharappa H.V., Pramod K.T.M., Shiva K.H.G., 2007, **Gastric Floating Drug Delivery Systems: A review**, Indian, J. Pharm. Ed. Res. 41, PP. 295-305.

Ghaida, A., Klasen, S., Klasen, D., 2004, **The Economic and Human Development Costs of Missing the Millennium Development Goal on Gender Equity**, World Bank Working Paper, Report No. 29710, Washington, D.C., The World Bank.

Kingdon, G., 2002, **The Gender Gap in Educational Attainment in India: How Much Can Be Explained?**, The Journal of Development Studies, Vol. 39, Issue 2, PP. 25-53.

- Kingdon, G., 2005, **Where Has all the bias Gone? Detecting Gender-bias in the Household Allocation of Education Expenditure**, Economic Development and Cultural Change, Vol. 53, PP. 409–451.
- Pal, S., 2004, **How Much of the Gender Difference in Child School Enrolment Can be Explained? Evidence from Rural India**, Bulletin of Economic Research, Vol. 56, Issue 2, PP. 133-158.
- Qiang, D., Xiaoyun, L., Hongping, Y. & Keyun, Z., 2008, **Gender Inequality in Rural Education and Poverty**, Chinese Sociology & Anthropology, 40 (4), PP. 64-78.